

کاری از گروه MIKANKA

# دکتر الپینزه

مکه ای با  
چاقوی جراحی



حالا فقط ما  
دوتا مونديم...

منم باید برم...

حمره قتن

تو باید بمونی

مگر اینکه  
بخوای من اینجا  
تنها بمونم...

Mehrza: مترجم  
Miranya: ادیت و چک



# Doctor Elise

• The Royal Lady with the Lamp •

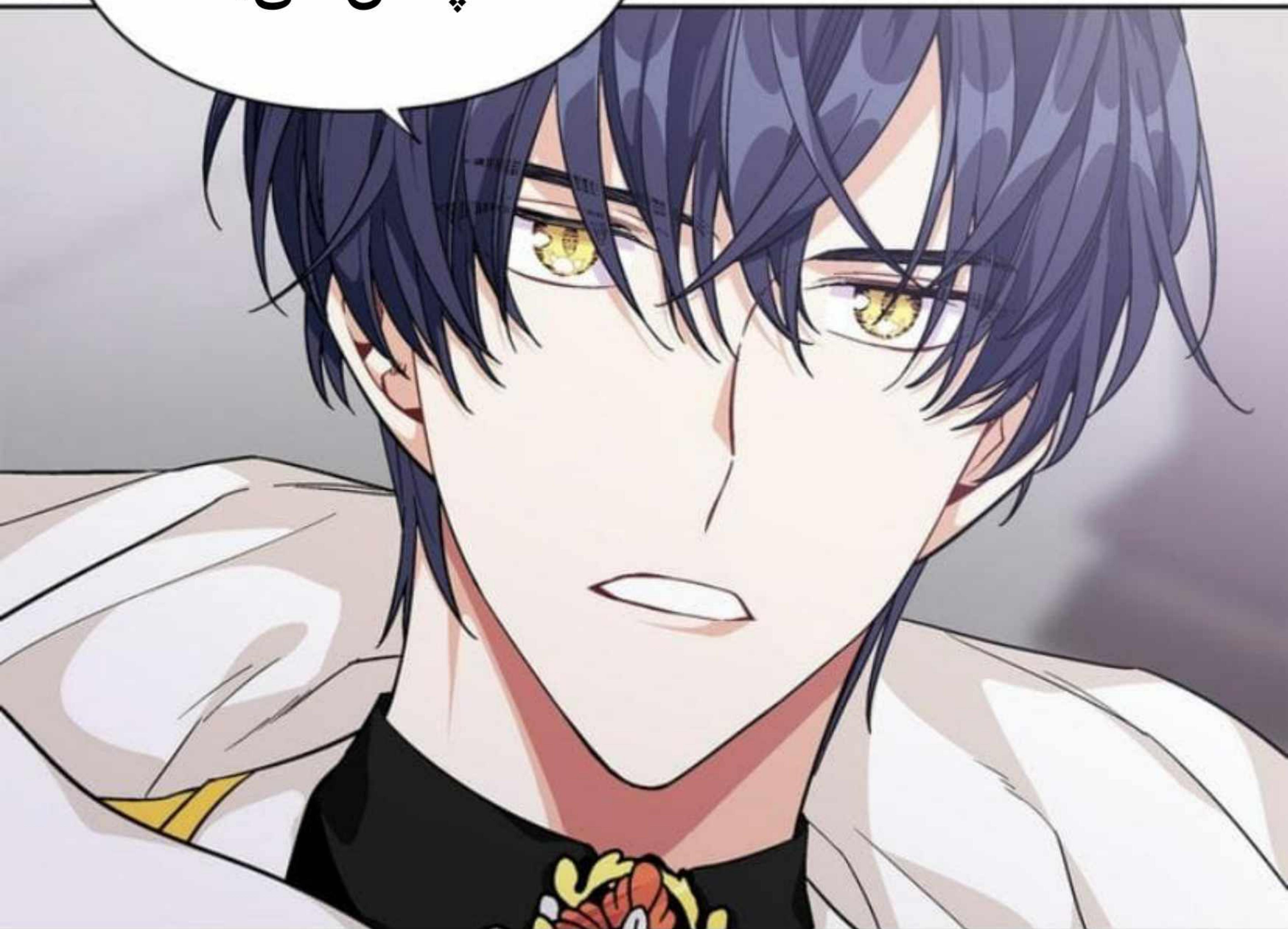
کاری از  
Miranka: تیم

Episode

...بخشید؟



بیمار اور زانسی  
هست که باید حتماً  
چکش کنی؟





خپ ...

حالا چی؟ برنامه  
داشتم تا مجبورش  
کنم بمونه ، ولی ...

... درباره چی  
صحبت کنم تا بتونه  
خوشحالش کنه؟

~ قبل تر ~

عالیجناب، مرد هایی  
که حرف نمیزنند  
محبوب نیستند!

وقتی با مدام تنها هستید،  
مطمئن بشید که از این فرصت  
استفاده کرده و ایشون و با طنز  
و شیوه صحبت کردن فصیح (شیوا)  
خود شگفت زده کنید!

لعت... سخنان طنز  
و فصیح؟ این واقعاً  
من نیستم

نمی‌فهمم برادر  
کوچکترم چطور می‌تونه  
طبعی با خانم‌های  
جوان صحبت کنه؟



باید جوکی که  
مارشال مکگیل بهم  
گفت و بهش بگم؟

درباره پرنده ای  
که با شلیک گلوله  
فرار میکنه؟

خوب، یه تفنگ...

یه تفنگ؟

کو کردن



در اون لحظه، لیندن بطور غیر ارادی  
فهمید تعریف کردن اون جوک  
بخصوص به فاجعه ختم میشه. بنابراین،  
به درستی جلوی خودش و گرفت.



تق تق

=

بله،  
بفرمایید!

غژغژ

اوھ؟ تو ھم  
اینجایی، برادر؟  
مزاحم شدم؟

عالیجناب؟

چی تو رو اینجا  
کشوندھ، مايکل؟

مدتى گذشته،  
عالیجناب. حالتون  
چطوره؟

سالم مثل همیشه.  
میدونی که من چقدر  
قویم! حال تو چطوره؟

ازت پرسیدم...  
کارت چیه، مایکل.



اوہ، اوں. میخواستم  
یہ چیزی از الیزہ بپرسم

بله، اوں چیه؟

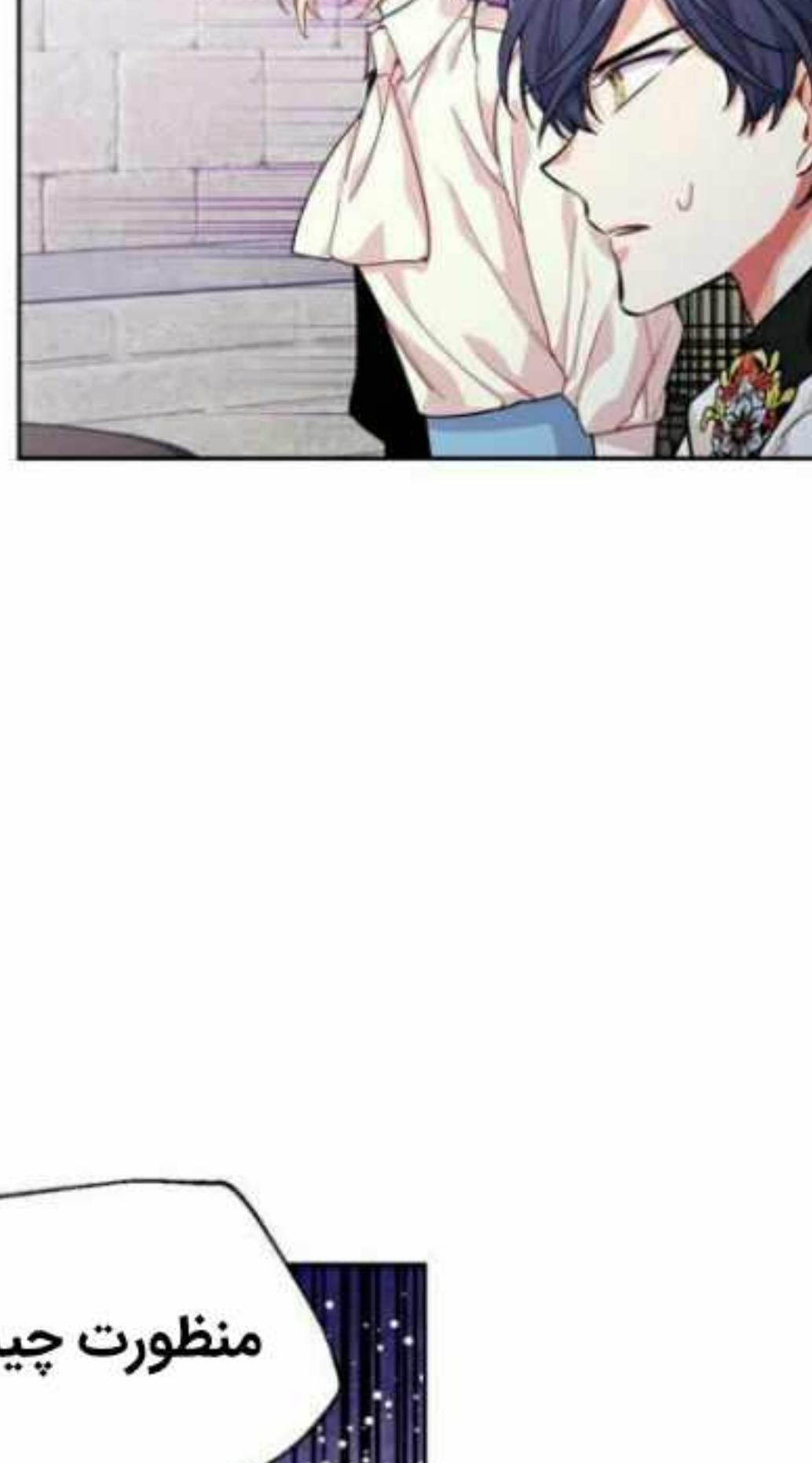


خب...

میتوںی بھم  
یاد بدی چطور یہ  
جراح بشم؟



چی؟



منظورت چیه؟

یه بیماری هست،  
ولی تو نمیتونی عمل و  
انجام بدی. فکر کنم باید  
خودم انجامش بدم.

یه چیزی سمت  
راست در این ناحیست.  
باید چیکار کنم؟

فقط دورش و بیرم  
و درش بیارم؟



زیر کبد؟ جایی  
که غده آدرنال و  
کلیه هست



اگر یه گلوله اونجا گیر  
کرده باشه عمل خیلی  
پیچیده ای میشه.

من انجامش میدم.  
بیمار نزدیک کمپ دشمنه؟



نه، اون نزدیک همین  
بیمارستان درحال استراحته.

پس عجله کن  
و بیارش اینجا

هرچی بیشتر  
معطل کنیم خونریزی  
خطرناک تر میشه.

نمیتوnim اون  
و بیاریم اینجا.

درواقع،  
احتمالاً باید بذاریم  
بمیره، ولی...

یه جورایی فامیله،...  
برای همین نمیتونم  
فقط رهاش کنم.

اعصاب خورد کنم،  
ولی آدم بدی نیست.

چی؟ چرا نمیشه؟

یکی از بستگان  
شاهزاده؟



نمیتو نه فردی از  
خانواده رومانف باشے. ولی،  
مادر شاهزاده سوم از  
هاوس چایلده...

منظورت این  
نیست که-؟!

آبرت؟ آره. قبله دیدیش،  
درسته؟ اگر کاری نکنیم،  
اون میمیره.

تو هم  
مراقب باش.



پرا نیاوردیش اینها؟!  
اون باید اینها باشند.  
همین الان!

برای عمل آماده  
میشیم!

الیزه، میشه در این باره  
بیرون صحبت کنیم؟

آه

زود...  
تمومش کنید.

برادر؟

بله، بریم.

برادر؟

برادر؟



اگر اینجا بیاریم،  
همه در خطر میفتن.

گلوله یه نارنجک  
تفنگی کوچیکه.

یه ن نارنجک؟

بله. توسط یکی از  
مردان جمهوری بهش  
شلیک شد.



امپراتوری بخاطر دلایل  
متعددی از این نوع  
سلاح‌ها استفاده نمیکنند.

ولی جمهوری معمولاً  
از یک نارنجک تفنگی تغییر یافته  
در سایز کوچک استفاده میکنند.

خوبی خیانه، نارنجک  
منفجر نشده. ولی تو شکمش  
مثل یه گلوه قرار داره.



باید خارج بشه، ولی مشکل  
اینجاست که این نوع نارنجک‌ها  
در هنگام برخورد فعال میشن...

یک حرکت اشتباه،  
و نارنجک ممکنه در حین  
عمل منفجر شه.

میتونه هرکسی که  
اینجاست و بکشه.

آلبرت، کسانی که  
توی اناق جراحی  
هستن، و اونایی که  
این اطرافن.

!!



و من میدونم...  
میدونم که قاعده‌تا باید  
رهاش کنیم...

ولی من  
 فقط نمیتونم این  
کار را کنم!



من خطرش و به جون  
میخرم، پس تنها کاری  
که باید بکنی اینه که  
بهع یاد بدی چطور  
انجامش بدم؟

این غیر ممکنه.  
اون نمیتونه با گوش دادن  
به دستورالعمل ها به  
سادگی جراحت کنه.

بعلاوه، من تنها دکتر  
در شبه جزیره کریم هستم  
که میتوشه این عمل و  
انجام بده.

این نیاز به دست  
خیلی ظرفی داره.



حتی اگر از قدرت های  
آوراییش هم استفاده کنه،  
 قادر به تحمل یک نارنجک اون هم  
 در چنین محدوده نزدیکی نیست!

قورته لاله

منو ببر پیش...  
آقای آبرت.

الیزه!



بعد اینکه یه نگاه  
به زخم انداختم تصمیم  
میگیرم چیکار کنم.



ولی این مشکلی  
ایجاد نمیکنے از اونجایی  
که ما بلا فاصله مراقب  
زخم بودیم.



آقای کارمن...  
و آقای لائوس



آه! خانواده هردوی  
اونها از طبقه اشراف هستن.  
کسانی که خصوصیت زیادی  
نسبت بهشون داریم...!

مادام!



لطفاً آقای آلبرت  
ونجات بدید!

میدونیم این  
خواسته‌ی زیادیه!



ولی شما تنها  
کسی هستید که میتوانید  
نجاتش بدید!

ملکم گرفتن

طفاً! التماستون  
میکنیم!

ادامه دارد...